

نقشه تاریخی رود کارون و اراضی و نواحی خوزستان

نادر کریمیان سردشتی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

Nk_sardashti@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۰۲

چکیده

نقشه تاریخی رود کارون و رود دز تا اراضی شعیبیه، یکی از دقیق‌ترین نقشه‌های ترسیم‌شده در دوره قاجار به شمار می‌آید که به احتمال قوی در اواسط دوره ناصری تهیه شده است. هرچند سال ترسیم نقشه و نقشه‌نگار آن نامعلوم است ولی از حیث تاریخی ارزش فراوان دارد. در خوزستان رودخانه کارون و رود دز از اصلی‌ترین رودخانه‌ها به شمار می‌آیند و لذا نقش زیادی در شکل‌گیری تأسیسات آبی داشته‌اند. نقشه ترسیم‌شده بر محور رود کارون و گزارش اراضی حوالی و حواشی رودخانه تنظیم شده است و مناطق و اراضی شعیبیه، یکاویه، کعده، عباسی، منصوریه، سیدیّه و سوییعی را بر اساس موقعیت جغرافیایی و یادکرد اسامی نواحی منطقه دو سوی رود کارون، تبیین و روشن کرده است. این نقشه تاریخی از جهت تاریخ جغرافیا و نقشه‌نگاری و نیز اسامی نواحی و شهرهای حوزه رود کارون در دوره قاجار از اهمیت فراوانی برخوردار است.

واژه‌های کلیدی

کارون، دز، بند قیر، اراضی و نواحی حوزه رود کارون، خوزستان، نقشه‌نگاری، دوره قاجار.

مقدمه

در ادامه مطالعات نقشه‌های تاریخی، اینک یکی دیگر از نقشه‌های ارزشمند درباره رود کارون و حواشی و اراضی آن رودخانه در خوزستان معرفی و شناسانده می‌شود. این نقشه در آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی (وابسته به وزارت امور خارجه) نگهداری می‌شود که پس از مذاکره و مکاتبه با رئیس محترم وقت مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی (دکتر نظرآهاری) با دو نقشه دیگر در اختیار نویسنده قرار گرفت و اینک خدمت محققان و خوانندگان تقدیم می‌شود. از دوست و همکارم عزیزم جناب دکتر فرهاد تهرانی بابت تشویق و ترغیب برای شناساندن اسناد و نقشه‌های تاریخی تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

۱. شناخت‌نامه نقشه تاریخی (مشخصات فنی نقشه) الف. عنوان نقشه در آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

عنوان نقشه «زمین‌های مرکزی خوزستان در حوالی بند قیر در شوشتر تا جنوب اهواز به همراه رود کارون و رود دز (اراضی شعبیه)» درج شده است. ما در این جستار عنوان کوتاه‌تری برای این نقشه برگزیدیم که در اصل رود کارون اصلی در مسیر بین شوشتر و اهواز را در بر می‌گیرد (تصویر ۱).

ب. نقشه‌نگار

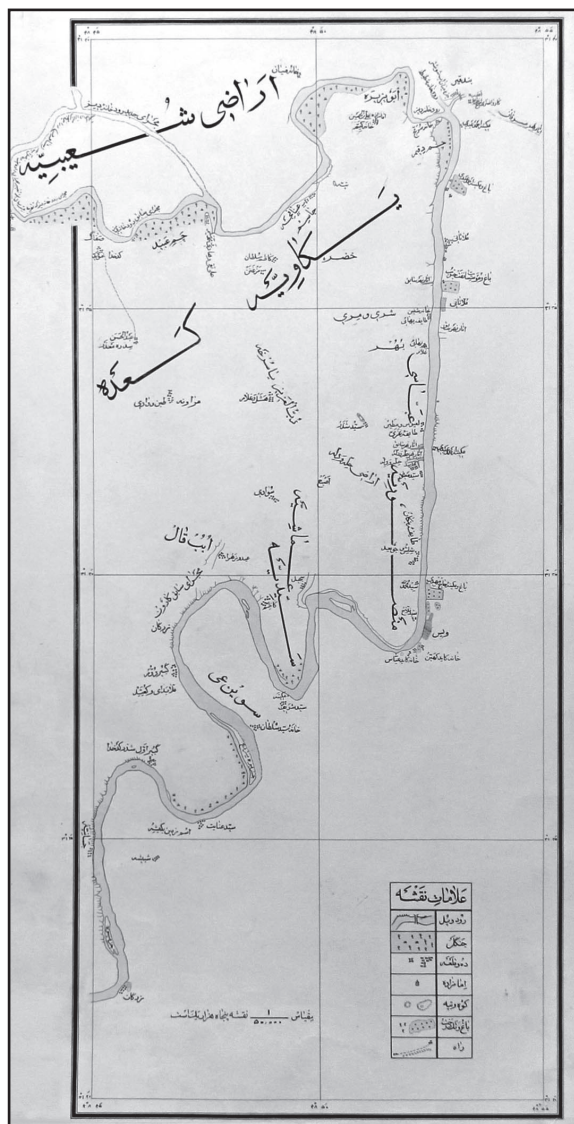
متأسفانه نقشه‌نگار این سند تاریخی و جغرافیایی مجهول و نامشخص است ولی بر اساس نمونه‌های نقشه‌های دیگر که توسط مرحوم حاج عبدالغفار نجم‌الملک (۱۲۵۵-۱۳۲۶ ق) مهندس و مورخ و منجم دوره ناصری فراهم شده و خود نیز نقش مؤثری در تهیه نقشه‌های مناطق جغرافیایی خوزستان داشته است، می‌توان حدس زد که نامبرده در تهیه این نقشه‌ها مؤثر بوده و البته سوابق علمی - مهندسی وی هم دال بر فعالیت وی در این حوزه است و کتاب سفرنامه خوزستان او برگی زرین درباره تاریخ و جغرافیای دیار خوزستان در دوره قاجار است که میراثی ارزشمند برای آیندگان است.

ج. تاریخ ترسیم نقشه

از نقیصه‌های این نقشه نبود تاریخ ترسیم نقشه است که در شناسنامه آن «نامشخص» قید شده است ولی بر اساس قرائن تاریخی که در ذیل نقشه‌نگار گفتیم، سال‌های ما بین ۱۲۶۰ تا ۱۳۳۰ ق را می‌توان زمان ترسیم آن تعیین کرد. اسامی ثبت‌شده در نقشه نیز تا حدودی به این دوره تاریخی مربوط بوده است اما امروز برخی از این اسامی در منطقه تداول ندارد [و بر زبان نمی‌آید].

د: ویژگی‌های نقشه

از ویژگی‌های مهم این نقشه بیان اعلام حوزه جغرافیایی و مناطق حواشی و اراضی رود کارون و دز است که با خطوط برجسته در نقشه مشخص شده است، همچون: اراضی شعبیه، یکاویه، کعده، عباسی، منصوریه، عماشیه، سیدیته، سویعی.



تصویر ۱. نقشه رود کارون و اراضی متصل به آن (مأخذ: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران).

دیگر مشخصه نقشه آن است که مناطق جنگلی و باغها و درختان مسیر رودخانه کارون و دز در آن ثبت شده است. همچنین اسامی سازه‌های معماری همچون خانه‌ها و پل و قلعه و امامزاده را در آن مشخص کرده اند. در این نقشه

رودخانه با رنگ آبی و باغ‌ها و جنگل‌ها را با زمینه زرد و راه‌ها را با جوهر قرمز معین شده است و البته علائم نقشه نیز در پای نقشه آمده است.

ه. علامات نقشه

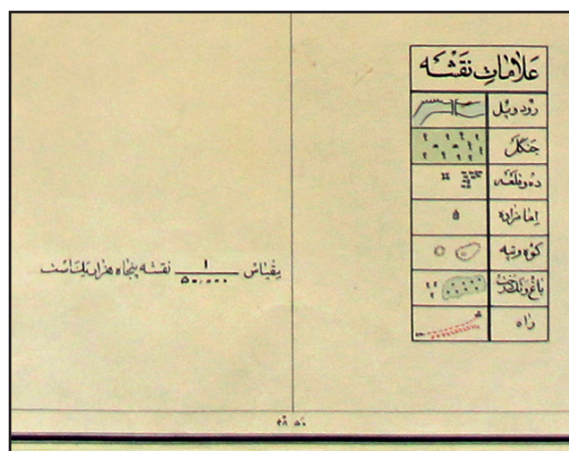
ذیل علائم نقشه این موارد تعریف شده است:

۱. رود و پل؛
۲. جنگل؛
۳. ده و قلعه؛
۴. امامزاده؛
۵. کوه و تپه؛
۶. باغ و تکدرخت؛
۷. راه.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این نقشه داشتن «علامات نقشه» است که کمتر نقشه‌ای متعلق به آن دوره تاریخی واجد چنین خصیصه‌ای است (تصویر ۲).

و. مقیاس نقشه

این نقشه با درج این جمله «مقیاس نقشه ۵۰۰۰۰ پنجاه هزار یک است» نشان داده که مقیاس آن یک پنجاه هزارم محاسبه شده است، که نسبت به طول رودخانه کارون منطقی به نظر می‌رسد (تصویر ۲).



تصویر ۲. علامات و مقیاس نقشه.

ز. ابعاد نقشه

ابعاد نقشه ۷۸/۵×۴۵ سانتی‌متر است که نسبت به سایر نقشه‌های موجود در آرشیو وزارت امور خارجه نسبتاً بزرگ ترسیم شده است.

این نقشه در اصل گزارش مسیر و جزئیات دو رود اصلی خوزستان یعنی کارون و دز در حوزه شوشتر تا نزدیکی‌های

اهواز را شامل می‌شود و با بیان موقعیت جغرافیایی اماکن و روستاها و عوامل معماری طبیعی تکمیل و متمم یافته است. با توجه به ارزش و اهمیت رود کارون و رود دز شایسته است پیش از پرداختن به جزئیات نقشه، دو مدخل را به این دو رود اختصاص دهیم و سپس از بلوکات منطقه شمالی اهواز در مسیر کارون که در این نقشه تاریخی اسامی برخی از روستاهای آن ذکر شده یاد کنیم.

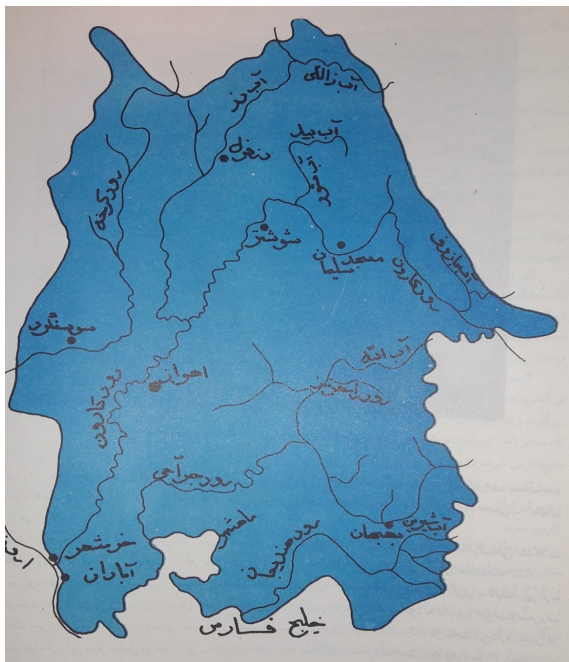
۲. رود کارون

رود کارون با شاخه‌های فرعی‌اش که گسترده و فراوان اند، جزو رودخانه‌هایی است که به خارج فلات ایران یعنی خلیج فارس می‌ریزد. جالب آن است که در متون کهن از آن به نام «تستر» و «شوشتر» نیز یاد شده است. لذا در این مبحث نیز بیشتر به معرفی این رودخانه پرداخته می‌شود به سبب آنکه نقش زیادی در شکل‌گیری تأسیسات آبی داشته است. ابن حوقل نیز در کتاب صورة الارض نقشه‌ای از خوزستان تهیه کرده و از رود کارون و نهر تستر (شوشتر) و «نهر مسرقان» و «شادروان» یاد می‌کند و در ذیل نقشه او آمده است:

از میانه قسمت پایین نقشه نهر تستر (رود شوشتر) آغاز می‌شود و سرانجام به دریا می‌ریزد و در نزدیکی مصب آن «الدجلة الهوزا» درج شده است. در پایین نقشه طرف راست رود مذکور شهر «کرخه» و سپس بر کناره رود، «تستر» و پس از آن «جندی سابور» و بعد «هرمز» و «جبی» دیده می‌شود. در محاذات تستر (شوشتر) از رود شوشتر «نهر مسرقان» جدا شده، از شهر «عسکر مکرم» می‌گذرد آنگاه به طرف راست می‌پیچد و در نیمه چپ هرمز به رود شوشتر باز می‌گردد و مقابل هرموز در طرف پایین «الشادروان» (سد معروف) و در بالای هرموز (سوق الاربعاء) نوشته شده است. در جانب راست نهر تستر و به موازات آن نهر السوس (رود شوش) و در دو طرف راست آن شهرهای قرقوب، الطیب، متوث، بردون، و بصری قرار دارد. رود دیگری در دهانه رود تستر (شوشتر) از طرف چپ بدان می‌پیوندد و شهرهای «الباسیان» و دورق در کناره آن قرار دارند و در راهی که از دورق به چپ می‌رود نام‌های «دیرا» و «اسک» نوشته شده (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۳).

سپس ابن حوقل می‌نویسد:

سرزمین خوزستان در محلی مستوی و هموار قرار گرفته است و دارای آب‌های جاری است. بزرگ‌ترین رودهای آن شوشتر امروزه «کارون» گویند و کارون برگرفته از کوهرنگ است. و عرب‌ها بدان دجیل اهواز می‌گفتند تا با دجیل که از دجله جدا شده شمال بغداد می‌گذرد اشتباه نشود و به قول ابن بطوطه نهرالازرق نیز می‌نامیدند (لسترنج، ۱۳۷۳:



تصویر ۳. نقشه رودخانه‌های استان خوزستان (مأخذ: جغرافیای کامل ایران، ۱۳۶۶: ۶۶۰).

استان‌های چهارمحال و بختیاری و خوزستان را در می‌نوردد. این رود دائمی است و به حوضه خلیج فارس و دریای عمان می‌ریزد. طول رود ۸۹۰ کیلومتر است. ارتفاع سرچشمه اصلی آن ۳۰۰۰ متر [از سطح دریا] و ارتفاع ریزشگاه آن صفر است. شیب متوسط رود ۰/۳ درصد است. مسیر کلی رود نخست در جهت جنوب شرقی، سپس غرب و در شهرستان‌های شوشتر و اهواز و خرمشهر در جهت جنوب غربی است. میانگین آبدهی سالانه کارون ۱۸۷۰۰ میلیون متر مکعب در ایستگاه اهواز، ۲۰۱۷۷ میلیون متر مکعب در ایستگاه رامین، ۱۰۴۸۷ میلیون متر مکعب در ایستگاه گذارلندر، و ۱۲۱۲۵ میلیون متر مکعب در ایستگاه گتوند است.

رود کارون که پرآب‌ترین و طولی‌ترین رودخانه ایران به شمار می‌آید، از چشمه‌سارهای دامنه کوه‌های ونگ و زردکوه واقع در دهستان شوراب در ۹۱ کیلومتری غرب شمالی شهرگرد سرچشمه گرفته و به نام آب کوه‌رنگ از دره شرقی زردکوه به سوی جنوب شرقی روان می‌شود. در دامنه شمالی کوه چهل‌خشت با دو ریزابه کوچک مخلوط می‌شود و قبل از ورود به دریاچه سد کوه‌رنگ با یک ریزابه نسبتاً بزرگ درهم می‌آمیزد. پس از ورود به دریاچه سد کوه‌رنگ قسمتی از آب آن توسط تونلی که در شکم کوه کارکنان (Ka'rkonan) حفر شده به سرچشمه‌های زاینده‌رود می‌ریزد و قسمت دیگر آن از سد عبور کرده و از طریق دره شرقی زردکوه به دهستان بیرگان وارد می‌شود. آنگاه کارون در این دهستان با

۶ و ۲۵۰ و ۲۵۲] است که شاپور شادروان (سد معروف) را در دروازه شوشتر بر آن ساخت تا آب آن بالا آمد و به شهر رسید چه شوشتر در زمین مرتفعی قرار دارد و این رودخانه از پشت عسکر مکرم گذشته به اهواز می‌رسد و پس از آن به رود «سدره» می‌پیوندد و پس از گذشتن از حصن مهدی به دریا می‌ریزد. و از ناحیه شوشتر نیز رود مسرقان [این نهر اکنون به آب گرگر موسوم است. (لسترنج، ۱۳۷۳: ۲۵۴؛ مؤلف مجهول: حدود العالم، ۱۳۶۲: ۴۶)] جاری شده و پس از عبور از عسکر مکرم - که آن را به دو نصف می‌کند - به اهواز می‌رسد و منتهی‌الیه آن همین شهر است و از آن تجاوز نمی‌کند. در عسکر مکرم بر روی آن [رود مسرقان] پلی بزرگ به اندازه بیست کشتی ساخته اند که کشتی‌های بزرگ در آن رفت و آمد می‌کنند. اما آب رودخانه مسرقان (آب گرگر) به هیچ رو به هدر نمی‌رود بلکه زمین‌های نیشکر و درختان خرمايي که در لابه‌لای آنها است و نیز کشتزارها و جز آن را سیراب می‌کند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۴-۲۵).

علاوه بر ابن حوقل، متأخران نیز از کشتیرانی در رود شوشتر یا کارون یاد کرده اند و نجم‌الملک در باب کشتیرانی در حوزه رودهای شوشتر (شاخه‌های کارون) می‌نویسد: «و آب دودانگه از بنیسی می‌آید و آن قریه‌ای است مقابل شوشتر و آن را کارن (کارون) نیز گویند. کشتی شرعی الان روی آن سیر می‌کند و چهاردانگه که شطیپ نیز گویند کشتی در روی آن سیر نمی‌کند اگر چه آبش زیاد است ولی پهن است و کم‌عمق، خطر زیاد دارد و آب دزفول قابل کشتیرانی نیست چون در زیر آب خارها و چوب‌ها روییده که مانع سیر کشتی می‌شود و این آب را دز گویند» (نجم‌الملک، ۱۳۴۱: ۵۰).

یکی از ویژگی‌های مهم کارون کشتیرانی و مسافركشی بوده که در این رودخانه انجام می‌گرفته و در دوره قاجار و پهلوی قیمت آن به شرح زیر بوده است: «بنابراین از راه‌های آبی شوشتر که در اوایل قرن بیستم کشتیرانی در آن انجام می‌گرفت کارون بوده و شرکت انگلیسی «لینچ» در کارون علیا یک کشتی بخاری موسوم به «شوشان» دارد که ۱۲۰ خروار بارگیری می‌تواند ولی منحصر به مسافر است و تا شلیلی که در یک فرسنگی شوشتر واقع است می‌رود و حد وسط مسافرت او تا محل مذکور و مراجعت به اهواز در ماه سه بار است برای مسافر از اهواز تا شلیله ۳۰ تومان و شلیله به اهواز ۲۵ قران سطحه ۸/۰ تومان ۷ قران. شرکت ناصری هم در کارون علیا دارای یک کشتی بخاری است که قریب ۱۰۰ خروار بارگیری دارد و هر ماهی اقلاً دو بار خط مذکور را سیر می‌نماید» (نوربخش، ۱۳۶۹: ۶۶۶) (تصویر ۳).

۲.۱. ویژگی‌ها و شاخه‌های رود کارون

رود کارون از شهرستان‌های شهرکرد، بروجن، لردگان، ایزه، مسجد سلیمان، شوشتر، اهواز و خرمشهر می‌گذرد و

دو سه ریزابه نسبتاً عمده مخلوط می‌شود و پس از پیمودن دامنه شرقی کوه قیصری به دهستان دواب وارد می‌شود. در این دهستان نخست با آب دواب در هم می‌آمیزد و پس از طی دره شرقی کوه هفت‌کرتان به دهستان پشتکوه از توابع شهرستان بروجن داخل می‌شود. در این دهستان نخست با آب کتری سپس با آب تنگ محمود و بعد از آن با رودخانه سبزکوه مخلوط می‌شود و از طریق دره میان کوه‌های لجن و سبزکوه (در شمال) و کوه هولن (Holen) (در جنوب) وارد دهستان لردگان می‌شود. سپس در مقابل دماغه شرقی کوه هولن با رودخانه کره مخلوط شده و رو به غرب تغییر مسیر می‌دهد و با پیمودن دره جنوبی کوه هولن از کنار روستاهای دشت ارمند و سونک (Sunak) می‌گذرد و با چند ریزابه کم‌اهمیت مخلوط می‌شود. در ورود به دره جنوبی کوه دول‌گیر با آب سرخون مخلوط شده و در یک کیلومتری جنوب شرقی روستای کبوسی (Kabusi) با آب بازوخت که یکی از ریزابه‌های مهم کارون به‌شمار می‌آید، در هم می‌آمیزد و رو به جنوب به دره میان کوه‌های شش‌بر (در شرق) و آته (در غرب) وارد می‌شود. در انتهای جنوبی دره مزبور با رودخانه منج مخلوط می‌شود و از طریق دره جنوبی کوه آته به سوی روستای چته (Celeh) روان می‌شود. در یک کیلومتری جنوب غربی روستای مزبور با رودخانه خرسان که یکی دیگر از ریزابه‌های مهم کارون محسوب می‌شود، مخلوط شده و به سوی شمال غربی تغییر مسیر می‌دهد و پس از طی بخشی از دهستان میانکوه از استان چهارمحال و بختیاری خارج شده و از طریق دهستان دنباله‌رود به استان خوزستان وارد می‌شود. آنگاه در دهستان دنباله‌رود با چند ریزابه کوچک و کم‌اهمیت مخلوط شده و رو به شمال غربی وارد دهستان سوسن می‌شود و دره غربی کوه لندر (Landar) را با پیچ و خم‌های بسیار طی می‌کند و به دره شمالی کوه گزیر (Gazir) وارد می‌شود. در این دره نخست با آب دره برده‌نخش و سپس با آب سوسن در هم می‌آمیزد و با دور زدن کوه گزیر به سوی جنوب غربی تغییر مسیر داده و به دهستان ایوه وارد می‌شود. در این دهستان نخست با آب سرحوض و سپس با رود سبزآب و رودخانه مرغاب مخلوط می‌شود و رو به غرب به دهستان اندیکا از شهرستان مسجد سلیمان داخل می‌گردد و رو به شمال غربی متوجه شده و به دهستان دشت لالی وارد می‌شود. در دهستان مزبور با رودخانه‌های شور و آب کیارس مخلوط شده و با دور زدن کوه‌های کشگل کوه و برداگپ به دهستان عقیلی از توابع شهرستان شوشتر وارد می‌شود و پس از آن به دهستان گتوند داخل می‌گردد و رو به جنوب متوجه شده و به سوی شهر شوشتر روان می‌شود.

کارون در هشت کیلومتری شمال خاوری شوشتر با رودخانه شور مخلوط می‌شود و پس از عبور از شهر شوشتر

به سوی جنوب غربی متوجه شده و به دو شاخه اصلی شرقی و غربی تقسیم می‌گردد. شاخه شرقی یا رود کارون و شاخه غربی یا شطیط دهستان میان‌آب را در برمی‌گیرند. شاخه شرقی پس از مخلوط شدن با رودخانه هورام در بند قیر مجدداً به شاخه غربی متصل شده و در همان‌جا نیز با رودخانه دز که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ریزابه کارون به‌شمار می‌آید در هم می‌آمیزد. سپس از آنجا به دهستان عناقچه از شهرستان اهواز داخل می‌گردد و با پیمودن پیچ و خم‌های فراوان به سوی شهر اهواز روان می‌شود و پس از طی دهستان اسماعیلیه به دهستان‌های برزین و خرمان از شهرستان خرمشهر داخل می‌شود. کارون در شرق شهر خرمشهر به دو شاخه تقسیم می‌گردد. شاخه شرقی به نام رودخانه بهمن‌شیر رو به سوی جنوب شرقی جریان یافته و از طریق خور موسی به خلیج فارس راه می‌یابد و شاخه غربی که از جنوب خرمشهر می‌گذرد به رودخانه اروندرود یا شط‌العرب می‌ریزد (جعفری، ۱۳۷۶: ۳۴۲-۳۴۴).

۲.۲. سرچشمه و پیشینه رود کارون

سرچشمه رود کارون از زردکوه بختیاری شروع و از جنوب شهرستان شوشتر وارد این شهرستان می‌شود. این رودخانه در شمال شوشتر به دو قسمت شده که یک شعبه آن از مشرق شوشتر گذشته و به «گرگر» یا «کارون» معروف است و دیگری از غرب شوشتر گذشته و «شطیط» نامیده می‌شود. رود شطیط در ۲ هزار گزی باختر بند قیر، به رود «دز» پیوسته و در جنوب بند قیر به شعبه اولی کارون ملحق و به طرف جنوب سرازیر می‌شود و پس از عبور از شهرستان اهواز وارد شهرستان خرمشهر شده و بالاخره به شط‌العرب می‌ریزد. به گفته رزم‌آراء (در حدود ۷۰ سال پیش) مقدار آب رودخانه کارون طبق صورت اداره کشاورزی ۱۴۰ گز مکعب در ثانیه است (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ۲۹). تنها رود قابل کشتیرانی ایران که با شعباتش بزرگ‌ترین رودخانه ایران محسوب می‌شود کارون است. رسوبات این رودخانه جلگه خوزستان را تشکیل داده و همین رسوبات است که کم‌کم موجب وسعت این جلگه شده است. سرچشمه کارون کوه‌های بختیاری است و با پیچ و خم بسیار از خاک خوزستان عبور می‌کند. منتهی‌الیه غیرقابل کشتیرانی آن شوشتر است و از درخزین [در] ۶ فرسخی میدان نفتون (مسجد سلیمان) قابل کشتیرانی است. از این محل تا مکان دیگری که به اسم بند قیر موسوم است، این رود به دو شعبه تقسیم می‌شود و امتداد آن ۵۰ هزار گز است. یکی از دو شعبه را آب بزرگ یا کارون اصلی و شعبه دیگر را آب کوچک یا گرگر گویند. مصب این رودخانه یا دلتای کارون علاوه بر شعب اصلی آن که به شط‌العرب می‌ریزد، شامل سه شعبه است: ۱. کهنه‌رود: این شعبه ظاهراً قدیم‌ترین شعبه و مجرای کارون است و از این جهت آن را

شط قدیمی گفته اند؛ ۲. رود کور: چون قسمتی از آن را گل و لای فراگرفته به این اسم موسوم شده؛ ۳. بهمن شیر.

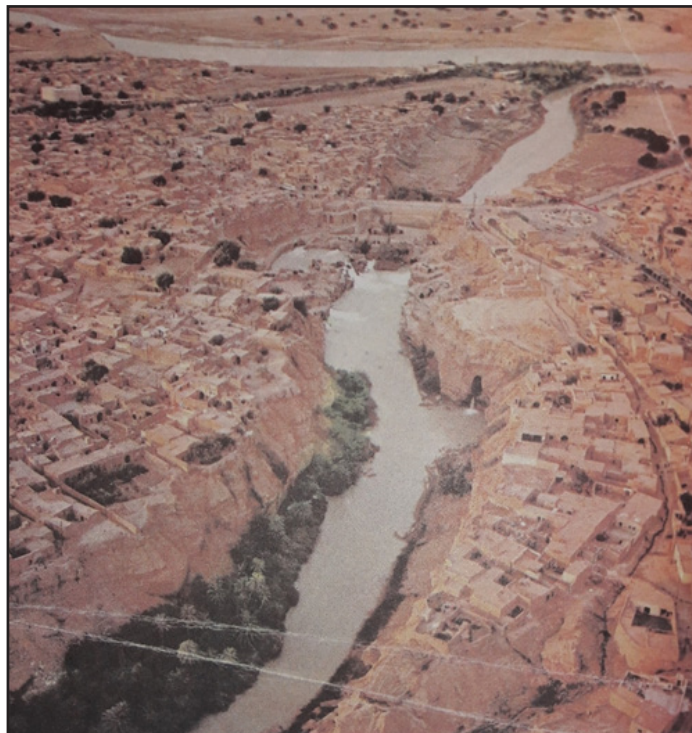
رود دز پرآب‌ترین دهانه کارون محسوب می‌شود این رودخانه مانند گاماسب به وسیله ضمامی پرآب می‌گردد که معروف‌ترین آنها «آب دیز» یا «آب دز» است که خود مرکب از دو شعبه شمالی و جنوبی است. و چون سدی قدیمی گویا با سنگ قیر در محل اتصال این دو شعبه با کارون ساخته اند، از خیلی قدیم بند قیر نامیده شده است. این رودخانه از دو نظر قابل توجه است و همین باعث شده که مهم‌ترین رودخانه‌های ایران محسوب گردد: یکی از حیث آبیاری و دیگری در موضع کشتیرانی (کریمی، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۳). سطح آب رود کارون مانند بسیاری از رودخانه‌های ایران از اراضی اطراف پست‌تر است و بدین واسطه اهالی نمی‌توانند مستقیماً از آب رودخانه جهت نخلستان‌های خود استفاده کنند. بلکه برای مشروب کردن نخلستان‌ها نهرهای عمود بر رودخانه کارون و بهمن شیر و شط العرب حفر کرده و در موقع جزر و مد که در مدت شبانه‌روز اتفاق می‌افتد نخلستان‌ها طبعاً مشروب می‌شوند. به علاوه موتورهایی در کنار رودخانه قرار داده اند که به وسیله تلمبه آب را در اراضی به جریان درآورده زراعت می‌نمایند (کریمی، ۱۳۱۷: ۸۲-۹۸ و ۱۷۴-۱۸۰ و ۳۰۹-۳۵۰). پلی آهنی بر روی کارون در کنار شهر اهواز بسته اند که طول‌ترین پل خط‌آهن سراسری ایران به شمار می‌رود. در تاریخ ایران باستان ذیل عنوان «حرکت اسکندر به طرف پارس» آمده است: از شوش اسکندر چهار روز راه پیموده به رود «پاسی تیگرس» (pasitigres) رسید. یونانی‌ها نوشته اند که سرچشمه این رود در کوهستان «اوکسیان» (uxiens) واقع و طرفین این رود به مسافت پنجاه استاد (تقریباً ۹۲۵۰ ذرع) پر از جنگل است. این رود، چون از بلندی‌ها به پستی‌ها می‌ریزد، آبشارهایی به وجود می‌آورد و بعد داخل جلگه شده ملایم حرکت می‌کند در اینجا عمق آن به قدری است که قابل کشتیرانی است و پس از آن که ۶۰ استاد طی مسافت کرد به خلیج پارس می‌ریزد. از توصیفی که کرده اند معلوم است که این رود همان رود کارون است و نیز این اطلاع به دست می‌آید که پارسی‌های قدیم این رود را «پس تیگر» (یعنی پس دجله) می‌نامیدند. زیرا همچنان‌که از کتیبه بیستون داریوش معلوم است دجله را پارسی‌های قدیم تیگر می‌گفتند (کتیبه بیستون، چاپ موزه بریتانیا، ستون ۱، بند ۱۸). اگر چه دیودور اسم این رود را تیگر نوشته ولی از روایت آریان (کتاب ۳، فصل ۶، بند ۳) و کنت کورث (کتاب ۵، بند ۳) معلوم است که اشتباه کرده و «پس تیگر» صحیح است (پیرنیا، ۱۳۶۲ ج ۱: ۱۴۰۹-۱۴۱۰) (تصویر ۳).

رودخانه کارون در نزد اهالی آن سامان و مطابق اصطلاح محلی نام واحدی دارد، ولی ظاهراً بنا به گفته کرزن املائی واقعی آن «کورَن» مشتق از کوه‌رنگ است که سرچشمه

اوست. بسیاری از جهان‌گردان مجرای علیای این رودخانه بزرگ را طی کرده و شناخته اند و استک در سال ۱۸۸۱م سرچشمه مشهور آن را بازدید کرده بود و در سال ۱۸۹۰م سرگرد سایر (sawyer) اعضای دستگاه اطلاعات لشکر هند جریان قوی و پرپیچ و خم آن را از با عبور از گردنه‌ها و دره‌های جبال آن حدود تعقیب نموده است. در قلب سرزمین بختیاری رشته‌کوه‌های رفیع کوه‌رنگ یا جهان‌بین واقع است که تقریباً ۱۳۰۰۰ پا ارتفاع دارد. از این مرکز عمده که در عین حال سرچشمه بزرگ‌ترین رودخانه‌های ایران به شمار می‌رود و سرحد بین حوزه‌های متفاوت طوایف متعدد است، رودخانه کارون به سوی جنوب و زاینده‌رود به سمت مشرق جاری است که اولی به خلیج فارس می‌ریزد و دومی نیز از زیر طاق‌های پل اصفهان می‌گذرد. در قله‌های موسوم به هفت تن (که گویا منظور تسمیه آن یاد هفت نفری است که اولین و آخرین بار تا قله رفته اند) سرچشمه‌های اصلی کارون واقع شده است. چهارده میل پایین‌تر چشمه بسیار جالب توجه زردکوه قرار دارد که استک و بانو بیشاپ به آنجا رفته اند و اهل محل اشتباهاً آن را سرچشمه کوه‌رنگ یا کارون می‌نامند.

به گزارش کرزن از شکافی که در تخته‌سنگ عریانی است آب با فشار پرشکوهی خارج می‌شود و غرش‌کنان به حوضی که به ارتفاع چهل پا در پایین واقع است فرومی‌ریزد. از آنجا رودخانه با حدت تمام در مجرای اصلی خود تا پنج میلی امتداد دارد و بعد از آن تا شوشتر که به خط مستقیم هفتادوپنج میل است و سپس در مسیر پیچ و خم‌دار تا ۲۵۰ میل از میان عالی‌ترین چشم‌انداز کوهستانی جهان سیر می‌کند و در خلال این جریان تا ۹۰۰۰ پا سقوط می‌کند. پهنای متوسط معمولی آن حتی در مسیر علیا ۵۰ تا ۱۰۰ یارد (هر یارد ۹۱/۴۴ سانتی‌متر) است، ولی گاهی در بین گردنه‌ها دچار تنگنا می‌شود که دیواره‌های سنگی چند ضلعی آن ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پا ارتفاع دارد و از آنجا به صورت نوار سبزفام دایمی در جلگه فرو می‌ریزد و در نقطه‌ای به نام «علی‌کوه» تمام آب آن در شکافی که فقط نه پا عرض دارد متراکم می‌شود.

رودخانه کارون در صد مایل نخست به سمت جنوب شرقی جاری است، بعد با انحرافی شدید به سمت جنوب غربی تغییر مسیر می‌دهد و به صورت مجرای پنجاه میلی از میان رشته‌های متقاطع کوهستانی می‌گذرد و باز صد مایل دیگر در جهت شمال غربی (برخلاف مسیر اصلی ولی در موازات آن) سیر می‌کند و سرانجام به طرف جنوب در تنگه‌هایی که ویرانه‌های دو بنای ساسانی مشرف بر آن است به دشت عقلی وارد می‌شود. سپس به وسیله گردنه دیگر به کوه فدلک یا صخره شنی در بالای شوشتر [رسیده] وارد صحرای خوزستان می‌شود.



تصویر ۴. تقسیم رود کارون در شوشتر به دو شاخه اصلی (مأخذ: جغرافیای کامل ایران، ۱۳۶۶: ۶۵۹).

به پل شاه‌علی و پل عسکر نزدیک حصار قدیمی شهر شوشتر، بند معروف به بند دختر از زمان ساسانی، بند میزان که آب رودخانه کارون را به دو شعبه گرگر و شطیط تقسیم می‌کند، پل قدیمی به طول ۵۵۰ متر که دارای چندین دهانه مخروبه است و با سنگ‌های تراشدار از نوع سنگ‌های کبوتردره (کوه کبوتردره در جبهه شمالی شهرستان شوشتر قرار گرفته و استودان‌های فراوانی از زمان ساسانی بر سینه این کوه وجود دارد) در زمان ساسانی ساخته شده، و وجود دخمه‌های زیاد ساسانی در دل کوه کبوتردره و آثار ساختمان و بناهای دوره ساسانی در این محل - که احتیاج به حفاری دارد - و از همه جالب‌تر وجود تصفیه‌خانه‌های بسیاری در زیر شهر جدید شوشتر است که معروف به سردابه یا شبستان است و همگی در دل صخره‌های طبیعی حفر شده اند و دارای کانال‌کشی و مجرای آب تصفیه‌شده هستند و انتساب آن به دوره ساسانی قطعی است. تمامی این آثار و بناهای تاریخی مرهون موهبت طبیعی کارون است که شهر شوشتر را جزیره‌وار در دوران تاریخی احاطه کرده است، بدین معنی که رود کارون از بند شمال شرقی شهر (بند میزان) به دو رشته منشعب می‌شود، رشته شمال شرقی که قسمت اعظم ناحیه شرق شوشتر را مشروب می‌کند به نام گرگر خوانده می‌شود و انشعاب دیگر به نام رود شطیط جبهه غربی شهرستان شوشتر را آبیاری می‌کند و هر دو رودخانه عظیم که دارای بند و

طی این جریان قرین سرگردانی، چند شعبه به آن می‌پیوندند و مهم‌ترین آنها که به اندازه خود کارون پرآب است، آب بازوفت یا رودبار است که از سمت شمال غربی در بستری که تقریباً موازی جریان خط سیر مبدأ آن است، بدان ملحق می‌شود. شعبه‌های قابل ذکر دیگر یکی رودخانه‌ای است در سمت شرقی که از آب لبریز دریاچه چاقخور تشکیل می‌یابد و نه‌ری هم از جانب شمال که نام آن بهشت‌آباد یا درکش‌ورکش است - که چهارمحال را مشروب می‌سازد - و نزدیک دوپلون (دوپل‌ها) آب سبزو به آن می‌ریزد که همچنین به این نام‌ها نامیده می‌شود: دهی‌نور، دیناران و آب گوراب/ و از جنوب هم آب‌برس از کوه دنیا [به آن می‌ریزد] و از اینجا تا شوشتر نیز چندین شعبه دیگر به آن می‌ریزد که آب زیادی ندارند و از آن جمله چند شورابه یا آب‌هایی است که با مواد نفتی آمیخته است» (کرزن، ۱۳۶۷ ج ۲: ۳۸۱-۳۸۳).

۳.۲. نقش رود کارون در شکل‌گیری تمدن و تأسیسات آبی

بدون شک حوزه رود کارون آثار گران‌بهایی از دوره‌های ماقبل تاریخ و تاریخی به‌خصوص ایلامی، هخامنشی، الیمائی، پارتی، و ساسانی را در دل خود نهفته است. پل گرگر و پل بند میان که بنیاد هر دو از زمان ساسانیان است و پل‌های معروف

آب‌بخش‌های متعدد و پل‌های بسیاری بوده است در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شوشتر در محلی به نام بند قیر به هم می‌پیوندند و این موقعیت موجب پیدایش تمدن‌های مختلفی در این ناحیه شده است که احتمالاً بیش‌تر آنها در زیر شهر فعلی شوشتر مدفون شده و دنباله آن تا بند قیر ادامه دارد. از جمله این [تمدن‌ها] آثار واقع در سه کیلومتری جنوب شرقی شوشتر در اراضی معروف به ماهی‌بازان است که احتمالاً مکان قدیمی شهر دستووا بوده که شامل آثاری از دوره الیمائی و پارتی و ساسانی است و مدارج پیشرفت و تمدن را تا صدر اسلام طی کرده و از آن پس شاید به علت خراب شدن سد اصلی و آمدن سیل به صورت ویرانه‌ای درآمد و متروک شده است و تا کنون که قسمت شمالی آن را باغها و مزارع فراگرفته است، مسکون نشده ولی شکاف‌های عمیق و دره‌های فروکش سیل به سوی رودخانه گرگر در جبهه شرقی و برش‌های متعدد در ناحیه غربی آن به طرف روداریان و شطیپ دال بر آن است که مدت مدیدی در زیر سیلاب باقی مانده و خسارات و لطمات زیادی دیده است. اما با همه این لطمات از نظر مطالعه علمی و کاوش‌های باستانی حائز اهمیت تاریخی است مخصوصاً از نظر وسعت.

طول منطقه ماهی‌بازان یا شهر قدیم دستووا از شمال به جنوب ۲ کیلومتر و از شرق به غرب نیز در همین حدود یعنی فاصله بین دو رودخانه گرگر و داریان است. رودخانه گرگر که در اثر تغییر مسیر قسمت مهم آثار ماهی‌بازان را ویران نموده است احتمالاً در اثر همان طغیان اولیه تغییر مسیر داده و بیش از ۵۰۰ متر از محل اولیه در حاشیه اراضی ماهی‌بازان جلو رفته و در نتیجه این قسمت از آثار باستانی طعمه طغیان رودخانه شده و از بین رفته است. ولی روی هم رفته آثار باقی‌مانده در اثر حفريات علمی می‌تواند بسیاری از تاریکی‌های تاریخی زمان الیمائی‌ها و پارت‌ها و ساسانیان را در این مکان روشن کند و به‌خصوص موقعیت شهر باستانی دستووا را که بسیاری از کتب قدیم موقعیتش را در این حدود ذکر کرده اند، آشکار خواهد ساخت. شرف‌الدین در کتاب دانشمندان شوشتر در مورد شهر دستووا چنین می‌نویسد: «دستووا به فتح دال و سکون بین مهملین و ضم تاي دونقطه و فتح واو و بعد الف، بلدی از بلاد خوزستان است. دستووا شهر یا قصبه‌ای بوده در حدود هزار متر از شهر شوشتر دور و در جنوب واقع و هنوز نهر او معروف است به نهر دستووا و از این به جز خرابه‌ها و آثاری بیشتر باقی نیست و محلات غربی شوشتر که امروز به نام محله موگهی است به مناسبت این‌که که جانب این شهر بوده، هنوز به محله دستووا معروف است و این شهر از نزدیکی‌های بقعه علی کمدرده و دره دراز شروع می‌شود و از ویرانه‌های آن چنین معلوم می‌شود که شهر ایلامی عظیمی بوده است و تاریخ خرابی آن معلوم نیست» (اقتداری، ۱۳۷۵: ۷۸۶-۷۹۰) (تصویر ۵).

۳. رودخانه دز

رودخانه دز در استان‌های لرستان و خوزستان جاری است و حوضه آبریز آن خلیج فارس است. طول رودخانه ۵۱۵ کیلومتر و شیب متوسط آن ۴/۰ درصد است. ارتفاع سرچشمه آن از سطح دریا به طور متوسط ۲۰۰۰ متر و ارتفاع ریزشگاه آن ۲۵ متر است. مسیر کلی آن در راستای جنوب است. میانگین آبدهی سالانه آن ۷۳۹۶ میلیون متر مکعب در ایستگاه تله‌زنگ، و ۷۱۶۱ میلیون متر مکعب در ایستگاه بامدژ است و میانگین بارندگی سالانه حوضه آبرگیر ۶۸۰ میلی‌متر و وسعت آن ۲۱۱۰۰ کیلومتر مربع است.

رودخانه دز که یکی از پرآب‌ترین رودهای ایران است از ریزابه‌های بی‌شمار و چشمه‌سارها و آب‌خیزهای ارتفاعات دهستان سربند اراک سرچشمه می‌گیرد و به نام رودخانه تیره از دره‌های پرپیچ و خم دامنه شمالی کوه‌های سفید و سیاه و بُناد می‌گذرد و به دهستان ژان از توابع شهرستان بروجرد وارد می‌شود و پس از خروج از کوهستان وارد دهستان کاغه می‌شود. در این دهستان با رودخانه بیاتون و آب‌سرده مخلوط می‌شود و رو به سوی جنوب خاوری روان می‌گردد و در شهر دورود با رودخانه ماربره مخلوط می‌شود و به رودخانه سزار تغییر نام می‌دهد (حجم آب سالانه رودخانه تیر در ایستگاه دورود ۴۵۷ میلیون متر مکعب است). رودخانه سزار که گاه به آن آب دز نیز می‌گویند، نخست به دره غربی کوه دوش‌دراز وارد می‌شود و به موازات خط‌آهن دورود - اندیشمک از دره میان کوه‌های پریز (Pariz) و تختکوه (Taxtkuh) می‌گذرد به دهستان زز از شهرستان الیگودرز وارد می‌شود. در این دهستان با رودهای گهرود و آب گورکش مخلوط می‌شود. آنگاه پس از مخلوط شدن با آب پسیر به دره شرقی کوه‌های کهک (Kahak) و کتل‌سیاه وارد می‌شود و پس از عبور از روستای ده‌سفید با رودهای چم‌چید و شباندر مخلوط می‌شود. سپس با آب‌های واسک و زز در هم می‌آمیزد و ضمن عبور از دره میان کوه‌های زاغه و مخمل‌کوه به دهستان ماهرو از شهرستان الیگودرز وارد می‌گردد. در این دهستان با آب مامون و سپس با آب‌سرخ مخلوط می‌گردد و پس از عبور از دره میان کوه‌های چلن (Celan) و مقابل‌گیر با رودخانه للری مخلوط می‌شود و به رودخانه دز تغییر نام می‌دهد (حجم آب سالانه رودخانه سزار ۱/۳۱۸ میلیون متر مکعب است).

رودخانه دز رو به جنوب از دره تنگ و پرپیچ و خم غربی کوه‌های کوله‌رات (Kulehrat) و علی مرادخانی می‌گذرد و پس از مخلوط شدن با رودخانه بختیاری به سوی دره میان کوه‌های مالگه‌مراد و کرناس روان می‌شود و پس از آمیختن با رودخانه کرناس به دره غربی کوه برآفتاب وارد می‌شود و به موازات خط‌آهن دورود - اندیشمک رو به جنوب جریان می‌یابد و در سر راه با آب گوربه مخلوط می‌شود و از کنار

ایستگاه تله‌زنگ می‌گذرد و در مقابل دماغه جنوبی کوه دز نخست با رود شیوین و سپس با آب تهلابل مخلوط می‌شود و از طریق دره شمالی کوه لنگر به سوی دریاچه سد دز روان می‌گردد. در دریاچه مزبور با رودخانه‌هایی همچون دمدم، مازو، لیوس، و گلال تنگسر مخلوط می‌شود و پس از عبور از سد به دره تنگ غرب ارتفاعات قلعه شهپان و شرق کوه مختار داخل می‌شود و از طریق دهستان‌های لیوس و شهی و سردشت به شهرستان دزفول وارد می‌گردد و پس از مخلوط شدن با رودخانه تابیران از شهر دزفول می‌گذرد و در دشت جنوبی دزفول پخش می‌شود. در اینجا نخست با بالارود مخلوط می‌گردد و شاخه اصلی آن از طریق دهستان‌های بنوار ناظر و قبله‌ای و شمعون و شرتی به شهرستان شوشتر وارد می‌شود. در این شهرستان نخست با رودخانه گلال درهم می‌آمیزد و به دهستان‌های شاه ولی و سردارآباد و شادبه شهرستان شوشتر وارد می‌شود و مرز میان شهرستان‌های اهواز و شوشتر را تشکیل می‌دهد و بالاخره در بند قیر واقع در ۴۰ کیلومتری شمال خاوری اهواز به رودخانه کارون می‌ریزد (جعفری، ۱۳۷۶ ج ۲: ۲۲۶-۲۲۸).

رودخانه دز از رشته‌های عظیم کوهستانی زاگرس سرچشمه می‌گیرد و حتی به گفته کرزن دو نقشه نیست که شاخه‌های آن را یکسان درج کرده باشد، ولی تحقیقات سرگرد سایر در سال ۱۸۹۰م ثابت کرده است که دو نهر عمده به آن وارد می‌شوند که یکی از بروجرد جاری است و سیلاخور را مشروب می‌سازد، و دیگری فریدن علیا را مشروب و از بزئوی عبور می‌کند. حوزه پایین یا جنوبی رودخانه بعد از عبور از دزفول و گذشتن از میان ناحیه جنگلی که هیچ شخم‌کاری نشده است در بند قیر وارد کارون می‌شود. از این رودخانه به گفته کرزن فقط یک دفعه کشتی عبور کرده است به این معنی که «سلبی» و «لایارد» با کشتی «آشور» در اواخر بهار ۱۸۴۲م بعد از آنکه با موفقیت شطیپ و گرگر را طی کرده بودند این نهر را نیز سیر کردند. این دو نفر که با زحمت بسیار از مسیر پیچ و خم‌دار آن گذشته سرانجام به نقطه‌ای موسوم به قلعه‌بند که درست در ۲۵ میلی راه آبی بند قیر بود، آمدند و در آنجا مشاهده کردند که رودخانه را جزیره و سدی صخره‌ای به دو شاخه منقسم ساخته است و از شکافی که در سد شرقی بود نفوذ کرده و چند میل جلوتر متوجه شدند که رودخانه کم‌عمق، ولی جریان آب قوی است. پس ناچار به بند قیر مراجعت کردند. کرزن می‌افزاید که تا آنجا که اطلاعات دارد از افراد انگلیسی کسی با کشتی در این رودخانه سیر ننموده است (کرزن، ۱۳۷۶ ج ۲: ۴۳۵-۴۳۶).

رود دز یا آب دز یا آبدیز چون از کوهستان به دشت می‌رسیده است - بنا بر آثاری که تاکنون ویرانه‌های آنها باقی مانده است - از همان آغاز با تمهیدات اقوام ساکن اطراف خود مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است. امروزه آثاری در

غرب شهر دزفول به صورت ویرانه‌هایی بازمانده است که از شمال به جنوب به نامهای: بند بالارود بالایی، بند بالارود پایینی، بند شیرزاد کشته، اوسیوای گله‌گه، اوسیوای رغا، و پل دزفول نامیده می‌شوند و در همه این آثار به خوبی معماری قبل از اسلام در اساس و بنا و آثار و بناهای دوران اسلامی در تعمیرات ادوار بعدی نمایان است. در حالی که در هیچ یک از کتب جغرافیایی نامی از آنها به عنوان آثار شاپوری یا ساسانی برده نشده است.

۴. بلوکات قدیم حوزه رود کارون و دز

پیش از پرداختن به اسامی و اماکن روستاها و اعلام جغرافیایی ثبت‌شده در نقشه تاریخی شایسته است راجع به بلوکات حوزه رود کارون و دز (بین شوشتر و اهواز) شرحی نوشته شود که در تبیین اعلام نقشه مفید فایده است: حوزه جغرافیایی شرق و غرب رود کارون که شهرها و روستاهای زیادی را در فاصله بین شهرستان‌های شوشتر و اهواز در بر می‌گیرد، در روزگار پیشین دارای بلوک بسیار و مزارع فاریاب و بی‌شمار بوده که همگی جایگاه کشت نیشکر و حبوبات و درختان خرما و میوه‌ها بوده و این‌همه در نتیجه جوی‌هایی که از بالای سد اهواز از رودخانه جدا می‌شد یا از پایاب نهر مسرقان یا شاخه‌های دز و کرخه که به این حدود می‌آمد، شاداب و آباد بود. اما در قرون وسطی که سد (شادروان اهواز) شکست و نهرها خشکیدند، کم‌کم زارعان پراکنده و مزارع به شوره‌زار تبدیل شد. خاک اهواز در نتیجه گذشتن آب کارون از میانه آن به دو منطقه تقسیم می‌شود، منطقه شرقی و آن دهستان با وی است که بلوکهای حصینه و زرگان و شاخه بنه جزء آن است و منطقه غربی آن دهستان‌های شاهپور (شاوور) و عناقچه و نهر هاشم را تشکیل می‌دهد. ما در اینجا بلوک یا دهستان‌هایی که در نقشه از آنها یاد شده گزارش می‌کنیم:

۴.۱. دهستان باوی

از طرف شمال محدود است به دره هدام که آن را از خاک خران بلوک شوشتر جدا می‌کند و از سمت مشرق به خاک جراحی و رگیوه رامهرمز و از طرف جنوب به خاک خرمشهر و مرداب شادگان و از طرف غرب به رود کارون و بلوک حصینه که سابقاً جزء ولایت شوشتر بوده است. در شمال این دهستان بلوک زرگان (زرقان) در بالای اهواز و بلوک شاخه بنه در شرق آن واقع است. سکنه این دهستان طوائف باوی، زرگان، حمید، و نواصر است که پیوسته ریاست آنان در دست مشایخ زرگان بوده است. و دهدارنشین آن قصبه «ویس» است. بلوک مسروقان قدیم و ولایت عسکر مکرم در این خاک بوده است. در قصبه ویس مقبره و زیارتگاهی است و گویند صاحب قبر اویس قرنی است ولی مسلم است که اویس در

جنگ صفین کنار فرات شهید شده است نه در کنار کارون. آبادی ویس قدیمی است و از زمان صفویه آباد بوده و انگور آن در خوزستان به خوبی معروف است. جایگاه بلوک مسروقان (مسرقان) و شهرهای ولایت عسکر مکرم در اطراف این قصبه بوده است. در اینجا در چندین جا تپه‌های بزرگ و کوچک و آثار جوی‌های بسیار دیده می‌شود و از این تپه سنگ و آجر بیرون می‌آورند. مسروقان بلوک بسیار آبادی بوده است در جنوب شهر عسکر مکرم و این مطلب از دقت در عبارات تاریخ طبری (طبری، ۱۹۶۹ ج ۹: ۵۲۹-۵۲۷)، و نزهة القلوب (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۷۰ و ۲۲۴) و نقشه‌ای که برای خوزستان ترسیم کرده است و همچنین از ملاحظه رود مسروقان و شاخه‌های آن در خاک حصینه و تلاقی آنها در حدود ویس، آشکار می‌شود. مزارع نیشکر خوزستان چنانکه اصطخری [صاحب مسالک و ممالک] تصریح می‌کند بیشتر در این بلوک بوده است. و این بلوک به تصریح نویسندگان به‌ویژه مقدسی [در احسن التقاسیم] و گواهی آثار، دارای آبادی‌های بسیار بوده است. و مرکز بلوک مسرقان، سوق الثلاثاء بوده است و این بلوک در نتیجه راه پیدا کردن رود مسروقان (گرگر) سلطانی بهبهانی و دیگران مسرقان ثبت کرده اند! به دجیل (شطیط) که در نتیجه آب از جوی‌های آن بریده شده است، ویران گردیده و سکنه‌اش پراکنده شده اند. این بلوک آبادترین بلوک‌های خوزستان بوده. چنانچه اصطخری گوید: «در تمامی خوزستان با اینکه آبادی آن به حد نهایت رسیده است، جایی آبادتر و ارزانتر از مسرقان نیست».

جای شهر سوق الاربعاء باید در بالای قریه کریت کنونی بوده باشد و شهر شوراب در بلوک شاخه کناره کوپال بوده است. ازم که ذکرش در کتاب‌ها آمده است در شش فرسنگی شرقی اهواز بوده است. قدامه بن جعفر در کتاب الخراج گوید: «از سوق الاهواز تا جوی‌رول دو فرسنگ و از آنجا تا ازم چهار فرسنگ است» (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۱۰؛ اقتداری، ۱۳۵۹ ج ۳: ۷۱۲-۷۱۳).

۲.۴. دهستان عناقچه

نام این بلوک در نقشه تاریخی آمده و امام شوشتری نوشته است: «این بلوک در کناره‌های رود دز و کارون و سمت شمال غربی اهواز واقع است و عناقچه نام طایفه مشایخ آن حدود است. زمین شعیبیه که در ساحل شرقی در بالای خاک عناقچه واقع است بیشتر جزء ولایت شوشتر محسوب می‌شود. این بلوک در روزگار پیشین یکی از نواحی بسیار آباد خوزستان بوده و مناذر کبری نام داشته است و خاک شعیبیه مناذر صغری؛ دو شهر بوده است که هر کدام دهات بسیاری در اطراف خود می‌داشته است». یاقوت حموی گوید: «مناذر کبری و مناذر صغری دو شهر است در خوزستان. اول

کسی که آنها را آباد کرد و جوی آنها را درآورد اردشیر پسر بهمن بزرگ پسر اسفندیار پسر گشتاسب بوده است» (یاقوت حموی، ۱۹۶۵ ج ۴: ۱۶۰).

آثار جوی‌ها و آثار سدی شکسته در دهانه نهری که در شمال خاک عناقچه جاری بوده و آب دز در آن روان بوده باقی مانده است و اعراب آن را العمی یعنی نهر کور می‌نامند. شهر مناذر گویا در جایی بوده است که اکنون در غربی حله و دله خرابه‌های بسیاری است که آنها را «العزیز» گویند و از این حدود تا اهواز آثار ساختمان‌ها و ابنیه بسیار دیده می‌شود و در هور شلتاغه، غربی حله و دله نیز آثار آبادی بسیار است و این خرابه‌ها و تل و تپه‌ها نشان می‌دهد که این بلوک مانند مسرقان که در ساحل شرقی برابر آن واقع بوده، خیلی آباد و دارای دهات بسیاری بوده است. چون قضایای خوارج در این حدود اتفاق افتاده است نام برخی از این آبادی‌ها در کتب مانده است، مانند: دولاب دلوث، کرنباء، سولاف، دیر حمیم، میجاس، کریج، و نیار، که در اشعار عرب نام آنها وارد شده است» (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۰۶-۱۱۴).

۳.۴. مناذر کبری و صغری

رودهای گرگر و شطیط و دز در ۲۵ میلی شوشتر در آخر میاناب و بند قیر فعلی یکی شده و کارون بزرگ را تشکیل می‌دهد. و به طوری که شیخ جمال‌الدین محمد بن ابراهیم وطواط (کتبی) وراق (متوفی ۷۱۸ق) در کتاب مناهج الفکر و مباحج العبر به نقل از کتاب البلدان یعقوبی ذکر نموده، کارون و دز در کنار مناذر الکبری که از بلاد باستانی خوزستان است به هم می‌پیوسته اند و با این برهان معلوم می‌شود که محل مناذر کبری درست برابر پوزه بند قیر بوده است. مناذر کبری و مناذر صغری دو شهر و ولایت بوده اند که اول کسی که آنها را آباد کرده است اردشیر (هخامنشی) پسر بهمن بزرگ پسر اسفندیار پسر گشتاسب بوده است که ذکر و تاریخ‌شان در کتب فتوح و اخبار خوارج آمده است. ابویوب موریانی خوزی (وزیر منصور دوانیقی خلیفه عباسی) اهل قریه موریان بود که موریان یکی از دیه‌های مناذر کبری بود که در برابر دماغه بند قیر قرار داشته است. اردشیر هخامنشی آنجا را شهر و ولایت کرد و رود کده [کده] آن را حفر کرده است (سلطانی بهبهانی، ۱۳۴۳: ۱۲-۱۳).

۴.۴. اما در بلوک شعیبیه آثار ایلامی کشف شده و در بقعه نبی جرجیس در شعیبیه سنگ محکوک ایلامی به خط ایلامی قدیم و از دوران شילהاک این شوشیناک کشف گردیده است که در موزه شوش نگهداری می‌شود (شرح این سنگ ایلامی را در جلد اول دیار شهریاران تألیف احمد اقتداری، فصل آثار شوشتر: بقعه نبی جرجیس ملاحظه کنید). طبق سرشماری محمدعلی امام شوشتری در کتاب تاریخ

جغرافیایی خوزستان، شهرهای قدیمه خوزستان که در خاک و اطراف رود کارون و شوشتر و اهواز قرار داشته اند و در متون جغرافیایی اسلامی قرون اوائل از آنها نام رفته است عبارت اند از: منادر کبری و منادر صغری و یکی نزدیک پوزه بند قیر و دیگری در اطراف قریه ویس یا در خاک شعیبیه بوده است.

جوزوک، سوق الاربعاء، سوق الثلاثاء که مرکز منادر کبری بوده، حصن مهدی باسیان، شوراب، بندم الدورق، سند، جبی یا جبا، بیره، و روستاها یا شهرها یا شهرک‌هایی به نام: بدان، بردون، بصنا، بیرود، متوث، کلیوان، قریه الرمل و مشکوک نیز شهرها و شهرک‌های دیگر این قطعه خاک بوده است که اکنون جز در کتب جغرافیایی قرون اوائل اسلامی نشانی از آنها در دست نیست. مرحوم امام شوشتری تحقیقات و حدسیات خود را در توضیح آثار قدیمه اهواز و شهرهای قدیمه اهواز به تفصیل بیان کرده است (اقتداری، ۱۳۵۹ج: ۳: ۷۱۶-۷۱۷).

۵. اماکن و روستاهای حوزه جغرافیایی موضوع نقشه

در این نقشه شرح و توضیح اماکن و روستاهای مذکور در نقشه تاریخی حواشی و نواحی رود کارون به ترتیب از ضلع شمالی اهواز و از بند قیر که رودخانه دز به کارون می‌پیوندد به ترتیب گزارش می‌شود. اسامی قدیمی و کهن و غالباً به زبان عربی اند که در آن دوره مرسوم و معمول بوده است. با این حال برخی از این اسامی مثل شعیبیه و ویس و منصوریه کاربرد خود را حفظ کرده اند:

۵.۱. شعیبیه

دهی از دهستان شاه‌ولی بخش مرکزی شهرستان شوشتر، در دوره پهلوی اول جمعیت آن ۲۰۰ تن بوده و آب آن از رودخانه دز تأمین می‌شود. محصول عمده آن غلات، و راه اتومبیل رو دارد. این آبادی را «خماس» هم می‌گویند. (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «شعیبیه»؛ لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۷ج: ۹: ۱۴۳۱۰). در نقشه بخش اراضی شعیبیه از مجرای رودخانه دز، چم عبید، او[ا] مجرای سابق رودخانه دز یاد شده است.

۵.۲. بلوک عنافجه

که از آن یاد کردیم [= عنافجه] «در اصل به نام شعبه‌ای است از قبیله آل کثیر، از قبایل خوزستانی که در شبلی میان سیاه‌چادرها متوقف هستند. و نیز در قریه شعیب [شعیبیه] قریب سیصد خانوار [طبق آمار پهلوی اول] و در مقرنات کنار رود کارون در حله و دله، هشتاد خانوار از اعراب عنافجه آل کثیر هستند. قسمتی از این اعراب در نعیمه و بعضی در قریه شعیب میان دو رود شوشتر ساکن اند» (کیهان، ۱۳۱۱: ۹۱؛ دهخدا، ۱۳۷۷ج: ۱۱: ۱۶۳۸۶).

۵.۳. یکاویه

«دهی است از دهستان میان‌آب (بلوک عنافجه) بخش مرکزی شهرستان اهواز، واقع در ۳۵۰۰۰ گزی شمال خاوری اهواز و ۱۳۰۰۰ گزی خاور راه‌آهن (کنار رود دز). سکنه آن [طبق سرشماری دوره پهلوی اول] ۴۳۰ تن است. آب آن از رودخانه دز و راه آن در تابستان اتومبیل‌رو است. تپه مرتفع و مدوری به نام «یشان ارمن» وجود دارد که آثار قدیمه در آن مشاهده می‌شود. ساکنین از طایفه عنافجه هستند» (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «یکاویه»؛ دهخدا، ۱۳۷۷ج: ۱۵: ۲۳۸۱۱). در نقشه در بخش یکاویه از پیر کاظم سلطان، خضره، جاسم، و عنافجه یاد شده است.

۵.۴. کعده یا گعده یا گعیده

«دهی است از دهستان میان‌آب (بلوک عنافجه) بخش مرکزی شهرستان اهواز، واقع در ۲۷ هزار گزی شمال خاوری اهواز و ۸ هزار گزی خاور راه‌آهن اهواز به تهران. هوای آن گرم و دارای ۱۶۰ تن [طبق سرشماری دوره پهلوی اول] سکنه است. آب آن از گرم چاه و محصول آن غلات است. شغل اهالی زراعت، گله‌داری و صنایع دستی آنان قالیچه‌بافی است. راه آن در تابستان اتومبیل‌رو می‌باشد. ساکنان از طایفه مروانه هستند» (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «گعیده»؛ دهخدا، ۱۳۷۷ج: ۱۲: ۱۹۱۸۲).

در این حوزه جغرافیایی در نقشه از قبرالحسن، سدره معذک، مزاونه، طن و دادی، رب‌العزیز یا سرخه، و عشر غلام یاد شده است. در فرهنگ جغرافیایی رزم‌آراء از قصبه‌ای به نام سرخه با این شرح یاد شده است: «قصبه‌ای در دهستان بن مُعلای بخش شوش شهرستان دزفول. دارای ۲۰۰ تن سکنه است. آب آن از رودخانه کرخه. محصول آن غلات، برنج، و کنجد است. ساکنین از طایفه عشایر [عرب] می‌باشند. دارای پاسگاه ژاندارمری است» (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «سرخه»). این روستا بعید است با سرخه مذکور در نقشه مطابقت داشته باشد که نام دیگرش رب‌العزیز است.

۵.۵. حوزه شوشتر و بند قیر

در نقشه از کاروانسرا، چند خانه، مسرقان، رودخانه شطیط، رودخانه دیز، آثار نهر سابق، بُهر، باغ و مؤسسات نفت جنوب، شری و مری، باغ و قلعه، طایفه بهائی، و ابومزبوه یاد شده است. چون در ذیل رود کارون و دز (حوزه جغرافیایی شوشتر) به این اعلام جغرافیایی اشارت رفته و توضیح و تبیین شده است در اینجا نیازی به تکرار آن نیست.

۵.۶. عباسیه

«دهی است از دهستان میان‌آب (بلوک عنافجه) بخش مرکزی شهرستان اهواز. واقع در ۲۸ هزار گزی شمال خاوری

اهواز و ۱۷ هزارگزی خاور راه آهن (کنار کارون). ناحیه‌ای است واقع در دشت گرمسیر، ۱۷۵ تن (طبق آمار دوره پهلوی) سکنه دارد. آب آن از رود کارون تأمین می‌شود. محصولات آن غلات است. اهالی به کشاورزی و گلهداری اشتغال دارند. صنایع دستی آنان قالیچه‌بافی است. راه در تابستان اتومبیل‌رو می‌باشد (دوره پهلوی اول). در این آبادی آثار نهر بسیار قدیمی مشاهده می‌شود (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «عباسیه»؛ دهخدا، ۱۳۷۷ ج ۱۰: ۱۵۶۹۵). در این بخش از نقشه تاریخی از اسامی طایفه عربی، آثار نهر سابق، سید شاذ، اراضی حله و دله، آثار نهر، و اصبع یاد شده است.

۵. ۷. منصوریه

دهی از دهستان میان‌آب (بلوک عنافجه) است که در بخش مرکزی شهرستان اهواز واقع است و ۳۷۵ تن سکنه دارد (طبق سرشماری دوره پهلوی اول). (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «منصوریه»؛ دهخدا، ۱۳۷۷ ج ۱۴: ۲۱۶۵۸). روستایی دیگر در شهرستان بهبهان به همین نام وجود دارد. در حوزه منصوریه که امروزه نیز به همین نام مشهور است از اماکنی چون ویس، طایفه بنگان و رودخانه در نقشه تاریخی یاد شده است. رزم‌آراء می‌نویسد: «ویس: دهی است از دهستان باوی، بخش مرکزی شهرستان اهواز با ۱۰۰ تن سکنه [آمار جمعیتی دوره پهلوی اول]. زیارتگاهی به نام اویس قرنی دارد» (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «ویس»).

۵. ۸. عماشیه

دهی است از دهستان میان‌آب (از بلوک عنافجه) بخش مرکزی شهرستان اهواز، دارای ۱۸۵ تن سکنه (طبق آمار دوره پهلوی اول). آب آن از رودخانه کارون تأمین می‌شود. محصول آن غلات است. این آبادی از دو محل به نام عماشیه یک و عماشیه دو تشکیل شده است. ساکنان آن از طایفه بنی‌صمیمی لومبی هستند» (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «عماشیه»). در بخش عماشیه از جایی به نام شوادی در نقشه تاریخی یاد شده است.

۵. ۹. سیدیّه

دهی است از دهستان میان‌آب (بلوک عنافجه)، بخش مرکزی شهرستان اهواز. دارای جمعیت ۱۰۰ تن (در دوره پهلوی اول). آب آن از رودخانه کارون و محصول آنجا غلات، در ساحل کارون لوبیا و خیار می‌کارند. شغل اهالی زراعت و حشم‌داری و صنایع دستی آنان قالیچه‌بافی است» (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «سیدیّه»؛ دهخدا، ۱۳۷۷ ج ۹: ۱۳۸۸۰). در بخش سیدیّه از اسامی سید شریگ، عبد و زهرا، اَبّ قال، مجرای سابق کارون، زرگان و دو محل دیگر در نقشه تاریخی یاد شده است.

۵. ۱۰. سوئنی‌عی

در منتهی‌الیه ضلع جنوبی نقشه از جایی به نام سوئنی‌عی نام برده شده و در این بخش اسامی خانه سیدسلطان، سیدعنایت، زمین بکعشیه، شبیشه، زرگان، و دو مکان دیگر یاد شده است. درباره شبیشه رزم‌آراء می‌نویسد: «شبیشه: دهی از دهستان باوی بخش مرکزی شهرستان اهواز. دارای ۷۵ تن سکنه (طبق آمار دوره پهلوی اول). آب آن از چاه و محصول آن غلات است» (رزم‌آراء، ۱۳۳۲: ذیل «شبیشه»). در خصوص زرگان نیز کیهان می‌گوید: «زرگان: قسمتی از قبیله باوی از قبایل خوزستان را گویند» (کیهان، ۱۳۱۱: ذیل «زرگان»).

۵. ۱۱. بند قیر

به سبب اهمیت و ارزش بندقیر که در نقشه نشان داده شده، توضیح کوتاهی لازم به نظر می‌رسد: بند قیر در ۴۸ کیلومتری شمال اهواز و در سه کیلومتری مصب کارون به سه شطون (سه‌شطون محل تلاقی سه رودخانه کارون و شطیط و دزفول) است که تمام این سه را پیش از مخلوط شدن کارون نامند) قرار داشته است و قسمتی از خرابه‌های آن هنوز نمایان است. اراضی که در زیر این سد قرار داشته و از آن مشروب می‌شده در حدود ۱۵۰ هزار هکتار است. سابقاً تمام اراضی بین بند قیر تا اهواز فاریاب بوده و انواع و اقسام نباتات در این ناحیه کشت و زرع می‌شده و محصول عمده این قسمت نیشکر بوده است که هر ساله مقادیر خیلی زیادی شکر از محصول این اراضی تهیه و به معرض فروش می‌رسیده است (استین، ۱۳۲۹: ۱۰۸).

در دوره قاجار در کنار بند قیر تلگرافخانه‌ای نیز توسط نظام‌السلطنه مافی بنیاد می‌شود. نظام‌السلطنه گزارش کرده که «در بند قیر هم در ملتقای شطیط به بلیتی که همان جا هم رود دزفول داخل می‌شود، بنای تلگرافخانه شد» (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۳: ۱۳۱).

۵. ۱۲. سد شعیبیه

در اراضی شعیبیه که در نقشه از آن یاد شده نیز یک سد تاریخی بر جای مانده است. این سد بر روی رودخانه دز در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی شوشتر واقع بوده و ۱۲ هزار هکتار از اراضی شعیبیه را مشروب می‌کرده. پایه ستون‌های این سد در رودخانه به خوبی نمایان است (استین، ۱۳۲۹: ۱۰۸).

این مدخل‌های جغرافیایی در اصل مهم‌ترین اعلام و اسامی جغرافیایی و تاریخی‌ای بودند که در نقشه تاریخی در مسیر رود کارون از آنها یاد شده است و جهت دوری از تطویل مقاله از شرح و توضیح بیشتر آنها صرف نظر شد و به همین مقدار بسنده شد.

امروزه از مسیر شوشتر و بند قیر تا به نزدیکی اهواز جاده‌ها به دو مسیر اصلی تقسیم می‌شود:

۱. مسیر یکم: شوشتر - بیر کوری - گاوسوار - درخزین - آب گنجی - خزین - صلیحه.
۲. مسیر دوم: شوشتر - گلالک - نور - محمدی - مهدی آباد - شهرک زارعی - عرب اسد - عرب حسن - دلفیه - ولی آباد - داروژه - نداقیه - عناقچه.

این دو مسیر در محل به نام ملاثانی تلاقی پیدا می‌کنند. و ویس که در نقشه تاریخی در ضلع غربی منصوریه واقع شده است و درست نیز ترسیم شده با ملاثانی در شمال آن ۱۷ کیلومتر فاصله دارد و سپس مسیر رودخانه کارون تا اهواز ادامه می‌یابد که بخشی از آن امروزه در داخل محدوده اهواز قرار گرفته است (لاجوردی، ۱۳۸۷: نقشه‌های ۵۳ و ۶۵).

در وضع جغرافیایی کنونی و نقشه‌های ترسیم‌شده امروزی، تفاوت‌هایی در ثبت و ضبط روستاها و اماکن و اراضی حوزه نقشه تاریخی دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

توجه به نقشه تاریخی حوزه رودخانه کارون و دز نشان می‌دهد که سنت نقشه‌نگاری منابع طبیعی و رودخانه و کوه‌ها و دشت‌ها و زمین‌های مرغوب مورد اهتمام دولتمردان دوره قاجار بوده است تا بتوان بر اساس این نقشه‌های طبیعی - تاریخی برنامه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و تجاری ریخت. این نقشه ضمن نشان دادن بافت جغرافیایی و طبیعی رود کارون و دز اطلاعات بسیاری از آثار و ابنیه تاریخی، خانه‌ها و آثار و سازه‌های آبی را در خود دارد که در دوره قاجار پابرجا بوده یا آثاری و اطلاعاتی از آن وجود داشته است. به هر روی نقشه تاریخی رود کارون نشان از دقت و تسلط نقشه‌نگاران در ترسیم آن داشته که توانسته اند با ریزبینی علائم نقشه‌نگاری و مقیاس آن را نیز درج کنند. البته نباید زحمات نقشه‌نگاران روس را در دوره قاجار و نیز تلاش‌های ارزشمند حاج عبدالغفار نجم‌الملک را در نقشه‌نگاری دوره قاجار نادیده گرفت که بی‌گمان اگر اهتمام اینان نبود امروزه چنین نقشه‌های ارزشمندی در اختیار محققان نمی‌بود.

منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۴۵). صورة الارض. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- استین، سراورل. (۱۳۲۹). راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران. ترجمه بهمن کریمی. بی‌جا: بی‌نا.

- اقتداری، احمد. (۱۳۵۹). خوزستان و کهگیلویه و ممسنی (جغرافیای تاریخی و آثار باستانی). (جلد سوم از مجموعه آثار خوزستان). تهران: انجمن آثار ملی ایران.

- اقتداری، احمد. (۱۳۷۵). آثار و بناهای تاریخی خوزستان (بخش اول): دیار شهریاران. چ ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- امام شوشتری، سیدمحمدعلی. (۱۳۳۱). تاریخ جغرافیایی خوزستان. تهران: امیرکبیر.

- بامداد، مهدی. (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران. ج ۲. تهران: زوآر.

- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله). (۱۳۶۲). ایران باستان. ج ۱. تهران: دنیای کتاب.

- جعفری، عباس. (۱۳۷۶). گیتاشناسی ایران (جلد دوم: رودها و رودنامه ایران). تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. ج ۹ - ۱۵. زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

- رزم‌آراء، علی. (۱۳۲۰). جغرافیای نظامی ایران (خوزستان). تهران: بی‌نا.

- رزم‌آراء، علی. (۱۳۳۲). فرهنگ جغرافیایی ایران. ج ۶. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی ارتش شاهنشاهی.

- سلطانی بهبهانی، علی. (۱۳۴۳). «خوزستان». در مجله کانون وکلای دادگستری، سال ۱۶، ش ۹۴، ص ۴۴-۴.

- الطبری، محمدبن جریر. (۱۹۶۹). التاریخ الطبری. ج ۹. تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم. چاپ مصر.

- فرجی، عبدالرضا و دیگران. (۱۳۶۶). جغرافیای کامل ایران. ج ۱. تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

- کرزن، جرج مان. (۱۳۶۷). ایران و قضیه ایران. جلد ۲. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کریمی، بهمن. (۱۳۱۷). جغرافیای مَقْصَل تاریخی غرب ایران. تهران: چاپخانه سعادت.

- رضا، عنایت‌الله و غلامرضا کورس و محمدعلی امام شوشتری و علی‌اکبر انتظامی. (۱۳۵۰). آب و فن آبیاری در ایران باستان. تهران: وزارت آب و برق.

- کیهان، مسعود. (۱۳۱۱). جغرافیای سیاسی ایران. ج ۲. تهران: مطبعه مجلس شورای ملی.

- لاجوردی، محمدحسین. (۱۳۸۷). اطلس جامع ایران. گردآوری محمدحسین لاجوردی و حامد همراه. تهران: انتشارات با فرزندگان.

- لسترینج، گی. (۱۳۷۳). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). نزهةالقلوب. به تصحیح گای لسترینج. تهران: دنیای کتاب.

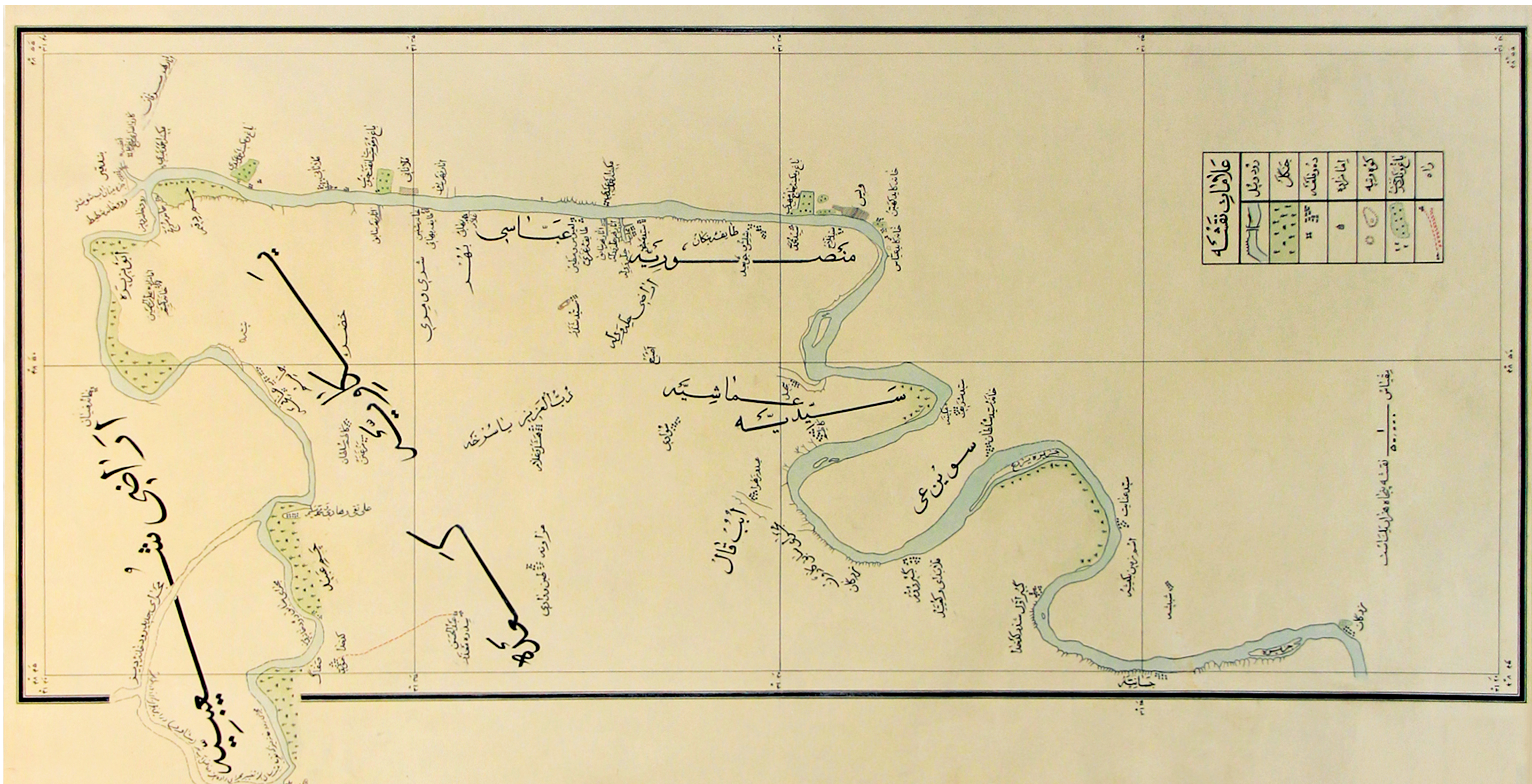
- مؤلف مجهول (۱۳۶۲). حدود العالم من المشرق الى المغرب. به کوشش منوچهر ستوده. چ ۲. تهران: کتابخانه طهوری.

- نجم‌الملک، عبدالغفار بن علی محمد. (۱۳۶۲). سفرنامه خوزستان. چ ۲. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات علمی.

- نظام‌السلطنه مافی، حسینقلی‌خان. (۱۳۶۳). خاطرات و اسناد حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی (باب اول). چ ۲. به کوشش: معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید رام‌پیشه. تهران: نشر تاریخ ایران.

- نوربخش، حسین. (۱۳۶۹). جزیره قشم و خلیج فارس. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- یاقوت حموی، شهاب‌الدین. (۱۹۶۵). معجم البلدان. ج ۴. تهران: کتابخانه اسدی.



تصویر ۱. نقشه رود کارون و اراضی متصل به آن (مأخذ: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران).